



مرکز تحقیقات اسلامی


اصفهان

گامی



عمران
علیهما السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



فلسفہ غیبت
از منظر روایات

محمد ہادی یوسفی غروی
احمد نطنزی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فلسفه غیبت از منظر روایات

نویسنده:

محمد هادی یوسفی غروی

ناشر چاپی:

مجله انتظار

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	فلسفه غیبت از منظر روایات
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۷	امتحان و آزمایش
۸	ترس برجان
۸	برای آنکه بر او بیعتی نباشد
۸	اشاره
۸	نعمانی و اولین کتاب در غیبت
۹	حکمت آزمایش
۱۰	نعمانی و علت بیعت نبودن بر گردن حضرت
۱۰	نعمانی و علت ترس برجان
۱۰	کراهت تعیین وقت ظهور
۱۱	صدوق و دومین کتاب در غیبت
۱۲	صدوق و علت ترس برجان
۱۳	صدوق و حکمت آزمایش الهی
۱۴	صدوق و حکمت برای آنکه بر او بیعتی نباشد
۱۴	حکمت تفصیلی معلوم نیست
۱۴	اشاره
۱۴	شیخ مفید و علت غیبت
۱۵	سید مرتضی و علت غیبت
۱۵	شیخ طوسی و علت غیبت
۱۶	طوسی و علت ترس بر جان

- طوسی و حکمت آزمایش الهی ۱۶
- آخرین نامه به آخرین نایب بر اساس دیدگاه شهید صدر دوم ۱۶
- پاورقی ۱۹
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۲۰

فلسفه غیبت از منظر روایات

مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران ۸۳-۲۹۶۷۰

سرشناسه: یوسفی غروی محمد هادی عنوان و نام پدید آور: فلسفه غیبت از منظر روایات (آخرین نامه به آخرین نایب بر اساس دیدگاه شهید صدر دوم یوسفی غروی محمد هادی نظری احمد منشا مقاله:، انتظار، ش ۸، ۹، (تابستان و پاییز ۱۳۸۲): ص ۱۸۷ - ۱۹۴.

توصیفگر: صدر، محمد

توصیفگر: محمد بن حسن عج، امام دوازدهم توصیفگر: انتظار منجی توصیفگر: موسوعه الامام المهدی توصیفگر: عصر غیبت توصیفگر: امتحان الهی توصیفگر: سیره امامان

مقدمه

نجاشی در رجال خود فرموده است: شیخ کلینی (ره) در مدت زمان بیست سال، کتاب بزرگ و ارزشمند «کافی» را تدوین و در سال ۳۲۹ در بغداد دارفانی را وداع نموده است. البته نجاشی بیان نکرده است آن بیست سالی که کلینی (ره) صرف تدوین «کافی» نموده [۱] است، از چه زمانی شروع و در چه زمانی پایان یافته است. چنین برمی آید که زمان تدوین «کافی» بین ۳۰۰ تا ۳۲۰؛ یعنی، در حدود چهل سال بعد از آغاز غیبت صغری بوده است کلینی (ره) در کتاب خود، هشت باب در بیست صفحه را به حضرت حجت (عج) اختصاص داده است که دو باب از آن، درباره بحث غیبت حضرت البته بدون عنوان علت غیبت - است. باب اول، بابی نادر درباره «غیبت» و شامل سه خبر است که هیچ کدام بیانگر علت غیبت نیست. باب دوم، شامل سی حدیث است.

امتحان و آزمایش

امام کاظم فرمود: [۲] «و همانا برای صاحب امر، غیبتی است تا اینکه کسانی که قائل به آن بوده اند از این امر برمی گردند. همانا آن محنتی از جانب خداست که خداوند به سبب آن، بندگان و خلق خود را می آزماید. امام صادق، علیه السلام، فرمود: [۳] «به خدا قسم؛ امامتان سالها از روزگار شما، غیبت می کند و بدین جهت آزمایش خواهید شد؛ تا اینکه گفته می شود: او مرده است و یا خدای دانند به کدام بیابان سر نهاده است. به نقل از امام صادق (ع) در خبر پنجم آمده است که فرمود: [۴] «همانا برای قائم (عج) قبل از آنکه قیام کند، غیبتی است... همانا خداوند تعالی، دوست دارد که شیعیان را بیازماید. پس در آن زمان کسانی که باطل گرا هستند، شک می کنند». سپس مرحوم کلینی (ره) برای این معنا، باب مستقلی به عنوان «التمحیص و الامتحان» باز نموده و شش خبر از ائمه اطهار (ع) آورده است، منصور صیقل نقل می کند: من و حارث بن مغیره و تعدادی از شیعیان، نشستیم بودیم و با هم سخن می گفتیم و امام (ع) کلام ما را می شنید که به ما فرمود: «شما کجایید؟ هیئات! هیئات! نه به خدا قسم! آنچه که چشم به راه آن هستید، واقع نمی شود؛ مگر آنکه غربال شوید نه به خدا قسم! آنچه چشم به راه آن هستید واقع نمی شود؛ مگر آنکه بررسی شوید. نه به خدا قسم! آنچه چشم به راه آن هستید واقع نمی شود، مگر آنکه جدا شوید. نه به خدا قسم! آنچه چشم به راه آن هستید، واقع نمی شود؛ مگر پس از ناامیدی. نه به خدا قسم! آنچه را که چشم به راه آن هستید، واقع نمی شود، مگر آن گاه که هر کس بدبخت است بدبخت شود و هر کس خوشبخت است، خوشبخت شود». [۵]. این خبر با موضوع ارتباط دارد و دیگر اخبار در مطلق امتحان

است. و پیش از این گذشت شیخ کلینی (ره) هیچ یک از این روایات را عنوان «علت غیبت» نداده است. و باز این معنا خواهد آمد که شیخ طوسی می‌گوید: امکان ندارد آزمایش الهی علت غیبت باشد.

توس برجان

حدیث‌های شماره ۵،۹،۱۸،۲۹ را زراره از امام صادق (ع) نقل کرده است و همگی بر این حکمت اذعان دارند. البته به نظر می‌رسد آنها یک «خبر واحداند» که سه طریق دارند. کوتاه‌ترین آنها، حدیث شماره ۹ و ۱۸ و طولانی‌ترین آنها حدیث شماره ۲۹ است. کامل‌ترین این خبرها، حدیث شماره ۵ است که زراره در ضمن آن می‌گوید: «شنیدم اباعبدالله فرمود: همانا برای قائم (عج) قبل از آنکه قیام کند، غیبتی است گفتم: چرا؟ فرمود: می‌ترسد و بادستش به شکمش اشاره کرد». [۶].

برای آنکه بر او بیعتی نباشد

اشاره

در خبر ۲۷ از اخبار «باب غیبت»، هشام بن سالم روایت می‌کند که حضرت صادق (ع) فرمود: «قائم (عج) قیام می‌کند، درحالی که در گردن او عهد و بیعتی نیست». [۷].

نعمانی و اولین کتاب در غیبت

در اوائل دوران غیبت صغری در شهر نعمانیه، ابراهیم بن جعفر صاحب فرزندی متولد شد که او را محمد نامید محمد علوم اولیه را در نزد پدرش آموخت، سپس در طلب علم به بغداد کوچ کرد و در آنجا سکونت گزید در اوایل قرن چهارم شیخ کلینی (ره) از ری به بغداد مهاجرت کرد و در آنجا در طول بیست سال، کتاب «کافی» را تدوین نمود. شیخ ابوعبدا... محمد بن ابراهیم نعمانی برای طلب علم به محضر ایشان می‌رفت و کتاب کافی را برای ایشان می‌نوشت [۸] تا اینکه کلینی در سال ۳۲۹ وفات یافت. در آن روزها شهر حلب و شام، تابع مصر بود و کافور اخشیدی بر آنها حکومت می‌کرد. در حلب سیف الدوله علی بن عبدا بن حمدان در سال ۳۳۳ حاکم شده بود. وی بر شام و الجزیره، دست یافت. و شاعران و عالمان بزرگ، از جمله نعمانی، بر او وارد می‌شدند بعد از حدود ده سال در اواخر سال ۳۴۲ نعمانی کتاب «غیبه» را بر کاتبش، محمد بن ابی الحسن الشجاعی، املا کرد [۹] و در مقدمه آن درباره سبب تالیف این کتاب آورده است: «گروه‌هایی را دیدم که به مذهب تشیع منسوب و به پیامبر اکرم (ص) وابسته بوده و قائل به امامت می‌باشند. اما آنان دچار تفرقه و چند دستگی شده و واجبات الهی را سست می‌گرفتند و محرمات الهی را سبک می‌شمردند. برخی در حق اهل بیت غلو کرده و برخی دیگر هم کوتاه می‌آمدند همگی جز تعداد کمی از آنها در مورد امام زمان و ولی امرشان به شک افتاده‌اند؛ در حالی که خداوند او را به علم خود به علت گرفتاری‌هایی که به واسطه غیبت ایجاد شده، برگزیده است. پیوسته این دو دلی و شک در دل‌های آنها اثر گذاشته است؛ چنانچه امام علی (ع) در وصف طالبان علم به کمیل بن زیاد می‌فرمود: «کسی که تسلیم اهل حق است، اما بینشی ندارد، در اولین برخورد با شبهه، شک در دل او راه می‌یابد؛ تا آنجا که آنها را به وادی گمراهی، سرگردانی، کوردلی و انحراف می‌کشاند و از آنها، جز اندکی که بر دین خدا ثابت قدم‌اند - باقی نماند. اینان به ایمان خداوند چنگ زده و از راه راست منحرف نگشته‌اند و تنها وصف «فرقه ثابت بر حق» برایشان محقق است بادهای مخالف، آنان را نلرزاند، فتنه و آشوب‌ها به آنها آسیبی نرساند پرتو دروغین سراب، آنان را نفریبند؛ زیرا این گروه به حرف مردم و تقلید این و آن دیندار نشده‌اند تا با حرف آنها، از دین و مسلک خود خارج شوند به جان خویش سوگند! هیچ کس به وادی گمراهی،

سرگردانی و فتنه حوادث وارد نشده و دچار خروج از راه راست و افتادن به دامان مذاهب بیهوده و باطل نگردیده است؛ مگر به جهت کم بهره بردن او از روایات و علم و بی نصیب بودن از بینش و شعور. این بدبخت‌ها هرگز در جست و جوی علم، کوششی نمی‌کنند و برای به دست آوردن و بازگو کردن روایت، از سرچشمه پاک و به دور از آلودگی به خود زحمت نمی‌دهند. هر چند اگر بر ایشان روایت هم می‌شد، بدون اینکه معنای آن را بفهمند، همانند کسانی‌اند که برایشان روایتی نقل نشده است بیشتر کسانی که به این مذاهب گام نهاده‌اند، دارای یکی از این چند حالت بوده‌اند: عده‌ای از آنان، کسانی‌اند که بدون اندیشیدن و دقت و از روی ناآگاهی، وارد آن شده‌اند. به مجرد برخورد با اندک شبهه‌ای گمراه و سرگردان می‌شوند. عده‌ای دیگر، کسانی‌اند که به دنبال طلب دنیا هستند و همین که گمراهان و دنیاپرستان نظر آنها را به سوی دنیا جلب کنند، منحرف گشته، دنیا را بر دین مقدم می‌دارند و دین را فدای دنیا می‌کنند این در صورتی است که آنان با سخنان عوام فریب و بیهوده فریب شیاطین را خورده‌اند. گروهی نیز به جهت ریاکاری و برخورداری از حسن ظاهر، خود را با لباس مذهب می‌آرایند و هدف‌شان ریاست است که تمام علاقه آنها در آن خلاصه شده؛ بدون اینکه کوچک‌ترین اخلاص و اعتقادی به حقانیت آن داشته باشند. پس خداوند هم نعمت نکو را از آنان سلب کرده، روزگارشان را دگرگون می‌سازد و آتش خشم و عذاب خود را برای آنان آماده می‌کند عده‌ای دیگر، به دلیل کم بودن ایمان شان به آن گرویده‌اند؛ اما خودشان هم به درستی و حقانیت آنچه می‌گویند، اعتقاد محکمی ندارند پس خواستم که به خداوند عزوجل تقرب جسته باشم، به وسیله ذکر آنچه از جانب امامان معصوم و صادق آمده است؛ از امیرالمؤمنین گرفته تا آخرین امامی که از او روایتی درباره غیبت منقول است. این غیبتی است که خداوند هرکس را که از درک آن و هدایت به سوی آنچه از معصومین صادق روایت شده، محروم نموده باشد؛ چشم دل او را کور ساخته است. این روایات برای اهل حق، درستی آنچه روایت شده مسلم می‌دارد و بدان اعتقاد دارند و دلیل شان بر وقوع آن، موکد خواهد شد و آنچه را که هشدار داده بودند، تصدیق خواهد نمود». [۱۰] گویا به نظر شیخ نعمانی (ره) آن شصت خبری که کلینی روایت کرده، برای برطرف کردن شبهات فراوان این جماعت، در باره غیبت، کافی نبوده است. بنابراین نعمانی اولین کتاب مستقل در باب غیبت (در ۲۶ باب)، را بر اساس احادیثی که بزرگان از ائمه (ع) نقل کرده و در نزد او موجود بوده، تدوین کرده است.

حکمت آزمایش

نعمانی در این ۲۶ باب، بخشی را به علت یا حکمت غیبت اختصاص نداده است. البته عنوان باب یازدهم را چنین قرار داده است: «آنچه درباره تحمّل مشقّات و غربال کردن و چند دستگی‌ها در زمان غیبت رسیده است» در مقدمه نیز دو حدیث از احادیث وارد در این باب را ذکر کرده است. [۱۱]. نعمانی در باب هفتم، تصریح دارد بر اینکه «تمحیص» علت غیبت است: «و غیبت [۱۲] ... خداوند آن را با واقع شدن در آزمایش و امتحان و غربال شدن اراده فرموده، به جهت تدبیری که برای بشر مقرر کرده، تا کسانی که ادعای این امر (تشیع) را می‌کنند تصفیه شوند. [۱۳] و آزمایش بندگان با غیبت او، برای پدید آمدن شیعیان خالص است این آزمایش با پایداری بر امور او و اقرار بر امامتش و دینداری خدا حاصل می‌شود؛ با ایمان به اینکه او (حجت) حق است و وجود دارد و اگر چه شخص او غایب باشد زمین از او خالی نمی‌ماند، و ایمان او بدین گونه است که؛ به تمامی آنچه رسول خدا و امیر المؤمنین و ائمه (ع) فرموده‌اند - بعد از غیبتش به هنگام ناامیدی مردم از او، قیامش را با شمشیر بشارت داده‌اند» - باور و یقین داشته است. [۱۴] این باب را با این جمله به پایان می‌رساند: «غیبت امام، علیه‌السلام، در این عصر برای پاک ساختن کسی است که خالص شدنی است و برای نابودی کسی که هلاک شدنی است و همچنین برای نجات هرکس که با پایداری بر حق، اهل نجات است و همچنین برای بر طرف ساختن شک و تردید و یقین آوردن به آنچه از امامان وارد شده است. ناگزیر این اندوه باید پیش آید، سپس زمان خواست خدا فرا برسد؛ نه آن زمان که مردم بخواهند. خداوند ما و شما را - ای جماعت با ایمان شیعه که پیوسته

دست به ریسمان خدا دارید و به دستورات او گردن می‌نهند - از آن‌ها قرار دهد که از گرفتاری غیبت نجات می‌یابند که در آن هر کس خواست خود را بگزیند و به اختیار پروردگارش راضی نشود و خواستار شتاب در تدبیر خدای سبحان گردد به آن چه که مأمور بوده صبر نکرده است. [۱۵] از جمله روایات نعمانی در این باب، روایتی است که امام صادق (ع) از امام علی (ع) نقل کرده است که فرمود: «خداوند در آخرالزمان مردی از فرزندان مرا برمی‌انگیزد، خونخواهی می‌کند و از میان آنها غایب می‌شود، برای آنکه اهل گمراهی از دیگران جدا شوند». [۱۶] سپس ایشان روایتی را بیان می‌کند که کلینی از امام کاظم نقل کرده است؛ از امام صادق روایت نموده است: «همانا خداوند قلوب شیعیان را امتحان می‌کند». [۱۷] و در ادامه روایاتی را که کلینی از امام باقر (ع) و امام رضا (ع) نقل کرده است، ذکر می‌کند. [۱۸].

نعمانی و علت بیعت نبودن بر گردن حضرت

در خبر ۴۷ از باب - آنچه در غیبت امام منتظر روایت شده - به نقل از کناسی از امام باقر (ع) روایت می‌کند که: «همانا برای صاحب این امر دو غیبت است حضرت قیام نمی‌کند در حالی که بیعت کسی در گردن او باشد». سپس نعمانی روایتی را ذکر می‌کند که کلینی از هشام بن سالم به نقل از امام صادق روایت کرده است: «قائم قیام می‌کند در حالی که عقد و عهد و بیعت کسی در گردن او نیست». [۱۹].

نعمانی و علت ترس بر جان

کلینی خبر زراره از امام صادق (ع) یا امام باقر (ع) را با چهار سند نقل می‌کند که نعمانی در الغیبه، همین خبر را ذکر کرده و دو طریق دیگر به آن افزوده است. [۲۰] وی برای خبر مفضل بن عمر از امام باقر یا امام صادق، علیه‌السلام، سه طریق ذکر کرده است: «زمانی که حضرت قائم قیام کند این آیه را می‌خواند «پس از شما فرار کردم آن زمانی که از شما ترسیدم». سپس مرحوم نعمانی نویسد: این احادیث مصداق قومش است که: «در او سنتی از حضرت موسی است و آن اینکه او ترسیده است و در کمین است». [۲۱].

کراهت تعیین وقت ظهور

چنان که گفته شد، کلینی در کافی، هشت باب را به صاحب الزمان (عج) اختصاص داده است. عنوان باب ششم «کراهیه التوقیت» می‌باشد و در آن دو خبر از امام باقر، علیه‌السلام، و پنج خبر از امام صادق (ع)، در نفی تعیین وقت ظهور ذکر کرده است، اما این سخن باقی می‌ماند که چرا کلینی (ره) از این باب به «کراهت» تعبیر کرده است نه «حرمت» شاید علت آن اخباری است که از ائمه، علیهم‌السلام، نقل شده است؛ خصوصاً آنکه نعمانی دو حدیث از امام صادق (ع) در همین باب نقل می‌کند وی حدیث اول را از کلینی بسند علی بن ابی حمزه البطائی از امام صادق روایت می‌کند که آن حضرت فرمود: «صاحب این امر از غیبتی ناگزیر است... و با وجود سی تن (یابیه همراهی ۳۰ نفر) در آنجا وحشت و ترسی نیست» حدیث دوم - (ح ۹۰) را هم با سند فوق از امام صادق (ع) نقل کرده است که: «قائم فرزندان من برابر عمر حضرت ابراهیم - که ۱۲۰ سال بوده است - عمر می‌کند و به صورت جوان رشیدی ۳۲ ساله آشکار می‌گردد». سپس اضافه می‌کند: این گفته تنها برای آرامش بخشیدن به شیعیان و نزدیک نشان دادن آن است؛ زیرا ایشان خود فرموده‌اند: «ما زمانی را تعیین نمی‌کنیم و هر کس تعیین وقتی را از ما برای شما روایت کرد، او را تصدیق نکنید و هراس نداشته باشید از اینکه او را دروغگو شمرده و بدان گفته عمل نکنید [۲۲]. سپس نعمانی، بابی را تحت عنوان «روایاتی که در نهی از تعیین وقت ظهور و بردن نام حضرت وارد شد»، مطرح می‌کند و در آن پانزده خبر می‌آورد که کلینی (ره)

روایت آخر آن را در کافی در باب «کراهت تعیین وقت» آورده است کلینی حدیث ششم آن را در کافی به سند حسن بن علی بن یقطین از برادرش حسین به نقل از پدرشان از امام کاظم (ع) ذکر کرده است که آن حضرت فرمود «ای علی: تاکنون دو بیست سال است که شیعه با امیدها و آرزوها پرورش داده شده است». یقطین پدر علی از موالی بنی عباس بود. ایشان به پسرش گفت: چرا آنچه به ما گفته شد (خلافت بنی العباس) واقع شد ولی آنچه به شما گفته شد، صورت نگرفت؟ علی به او پاسخ داد «آنچه به ما و شما گفته شد هر دو از یک جا بیرون آمده است، جز اینکه زمان کار شما فرارسید. بنابراین فوراً به شما داده شد و همان طور که گفته شده بود انجام پذیرفت، ولی زمان کار ما فرانسیده است. بنابراین به امید و آرزو ما را سرگرم نموده‌اند، زیرا اگر به ما گفته می‌شد، این امر نخواهد شد، مگر پس از گذشت دو بیست سال یا سیصد سال، حتماً دل‌ها سخت می‌شد و بیشتر مردم از ایمان به اسلام برمی‌گشتند ولی گفتند: چقدر سریع و نزدیک است برای آنکه دل‌های مردم به ایمان نزدیک شود و فرج را نزدیک بنمایاند». [۲۳].

صدوق و دومین کتاب در غیبت

ظاهراً علی بن بابویه قمی، حدود سال ۲۶۰ (سال وفات امام حسن عسکری) به دنیا آمده است. شیخ طوسی در «الغیبه» به سند خود از مشایخ اهل قم، روایت کرده است که ایشان گفته‌اند: ابن بابویه با دختر عموی خود، ازدواج کرد و صاحب فرزندی شد. سپس به شیخ ابی القاسم الحسینی بن روح نامه‌ای نوشت که از محضر حضرت حجت بخواهد که دعا کند تا خداوند فرزندان فقیهی به او روزی دهد جواب آمد: «تو از این (خانم) صاحب فرزندی نخواهی شد، ولی مالک کنیزی دیلمی خواهی شد که از او صاحب دوفزند فقیه می‌شوی». [۲۴] این قضیه در اوایل سفارت حسین بن روح، بعد از سال ۳۰۵ اتفاق افتاد. بنابراین ولادت صدوق حدود سال ۳۰۷ یعنی، قبل از پنجاه سالگی پدر بزرگوارش بوده است. ایشان وقتی به سن چهل سالگی رسید آوازه فضلش به همه جا - از جمله شهر ری - رسید و اهل ری از او خواستند که به آنجا هجرت کند. شیخ صدوق این پیشنهاد را پذیرفت و به آنجا مهاجرت کرد. ایشان در آنجا مشهور شد و آوازه شهرتش، به شاه رکن الدین اباعلی الحسن بن بویه دیلمی رسید و از ایشان خواست که نزد او حاضر شود و شیخ هم به مدت ده سال پیش او ماند، تازمانی که برای زیارت امام رضا، علیه‌السلام، قصد سفر به خراسان را داشت. [۲۵]. وی پس از نائل شدن به زیارت امام رضا (ع) به نیشابور بازگشت و در آنجا اقامت گزید و متوجه شد بیشتر شیعیانی که نزد او رفت و آمد می‌کنند، در موضوع غیبت حیران و سرگردانند و در امر قائم (عج) شبهاتی دارند. در این زمان شیخ بزرگوار از دانشمندان اهل قم (شیخ نجم الدین ابوسعید محمد بن الحسن بن الصلت القمی) که شخصیتی اهل فضل و عمل بود، از بخارا آمده و بر ایشان وارد شد یک روز که آن شیخ بزرگوار با صدوق (ره) سخن می‌گفت، یادآور شد که با یکی از بزرگان فلسفه و منطق دیدار کرده و درباره‌ی حضرت قائم (عج) سخنی از او شنیده است که شیخ نجم‌الدین قمی را سرگردان و حیران کرده و در امر طول غیبت و انقطاع اخبار، او را به شک و تردید انداخته است و وی از صدوق (ره) خواست که در موضوع غیبت کتابی تألیف کند. شیخ نیز به او وعده داد که هنگام بازگشت به وطن خود (شهر ری) خواهش او را اجابت کند. [۲۶] وی هنگام بازگشت به شهر ری، تألیف کتاب «کمال الدین و تمام النعمه در اثبات غیبت و برداشتن حیرت» را آغاز کرد صدوق (ره) نوشته است: به وسیله اخبار وارده از پیامبر اکرم (ص) و ائمه (ع) در امر غیبت، نهایت کوشش و تلاش خود را در ارشاد مردم به حق و راه راست نمودم. اما آنان به جای تسلیم و پذیرش (اخبار و روایات) به ارا و قیاس‌های عقلی روی آورده بودند [۲۷] به همین دلیل ایشان قبل از آنکه با روایات پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، و اهل بیت، علیهم‌السلام، فصل‌های کتاب را تنظیم کند، شروع به پاسخ در شبهاتی می‌کند که در آنها آرا و قیاس‌های عقلی با اخبار ائمه اطهار آمیخته است او می‌نویسد: مخالفان ما گفته‌اند: بنابر قول شما بعد از وفات پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله و سلم، یازده امام آمده‌اند که همگی با اسم و شخص خاص بین شیعه و اهل

سنت معروف بوده‌اند. حال چنانچه صاحب زمان هم مانند آن امامان آشکار و معروف نباشد، امر امامت آن یازده امام هم بیهوده و فاسد می‌گردد. همان گونه که موضوع صاحب الزمان شما، به واسطه نبودن و عدم امکان وجود او در طول این مدت، فاسد و بیهوده است!

صدوق و علت ترس برجان

صدوق (ره) در پاسخ نوشته است: می‌گوییم: ظهور حجت‌های الهی در مقامات خود، در زمان تسلط حکومت‌های باطل، از جهت امکاناتی است که برای ارشاد و تدبیر مردم زمان خود داشته‌اند. اگر وضعیت به گونه‌ای باشد که برای امام تاحدودی تدبیر و رهبری نسبت به دوستانش ممکن باشد، ظهور «حجت» لازم است و اگر هیچ امکان مناسبی برای تدبیر و رهبری وجود نداشته باشد و حکمت الهی و تدبیر معنوی موجب پنهانی بودن او گردد، خداوند او را در پشت پرده غیبت پنهان می‌کند تا اینکه مدت غیبت بگذرد؛ همان گونه که پس از مطالعه تاریخ همه حجت‌های خدا از پیامبران و اوصیای پس از وفات حضرت آدم تا این زمان، این گونه بوده است؛ بعضی از آنها آشکار و برخی پنهان بوده‌اند. البته قرآن کریم هم به این سخن اشاره دارد که: «رسولانی را که داستان شان را از پیش برای تو گفتیم و رسولانی که قصه‌ی آنان را نگفته‌ایم». [۲۸] همچنین عبدالحمید بن ابی‌الدین می‌گوید: امام صادق علیه‌السلام، فرمود: «ای عبدالحمید؛ برای خدا رسولانی آشکار و رسولانی پنهان است؛ زمانی که از خدا به حق رسولان آشکار خواستی، از او به حق رسولان پنهان نیز بخواه» حجت‌های خدا از زمان رحلت آدم تا پیدایش حضرت ابراهیم علیه‌السلام، او صیابی آشکار و پنهان بوده‌اند در زمان تولد حضرت ابراهیم، ظهور حجت امکان نداشت، چون نمود فرزندان مردم سرزمین خود را برای یافتن ابراهیم علیه‌السلام، به قتل می‌رساند بنابراین خداوند، وجود حضرت ابراهیم و تولد او را پنهان کرد. تا آنکه مدت غیبت تمام شد و حضرت ابراهیم آنها را به وجود خود راهنمایی کرد و امر خود را ظاهر نمود؛ زیرا اراده الهی بر این تعلق گرفت که حجت خود را بر مردم ثابت و دین خود را کامل کند. بعد از وفات حضرت ابراهیم تا زمان حضرت موسی (ع) هم او صیابی بودند که حجت‌های خدا در روی زمین به شمار می‌آمدند و پشت سر هم وصایت را از یکدیگر، ارث می‌بردند و آشکار یا پنهان بودند در زمان حضرت موسی، علیه‌السلام، نیز آن گاه که خبر تولد او منتشر شد، فرعون برای یافتن او، فرزندان بنی اسرائیل را می‌کشت. بنابراین خداوند ولادت او را پنهان ساخت و همان طور که قرآن خبر داده مادرش او را در دریا انداخت؛ تا آنکه موسی، علیه‌السلام، دعوتش را آشکار کرد و خود را به مردم شناساند. چون هنگام درگذشت حضرت موسی، علیه‌السلام، رسید، او نیز تا زمان ظهور حضرت عیسی (ع) اوصیایی در عیان و یا نهان داشت. عیسی، علیه‌السلام، با دلایل روشن، نبوت خود را از هنگام ولادت آشکارا به جهان نشان داد و براهین خویش را منتشر ساخت، زیرا مانعی از اظهار وجود خود نداشت و پس از وی هم اوصیایی بودند که برخی عیان و گروهی پنهان بودند و این حجت‌های الهی تا زمان ظهور پیامبر ما وجود داشتند بعد از ظهور پیامبر اکرم، صلی‌الله‌علیه و آله و سلم، لازم بود که آن حضرت - به روش پیامبران پیشین - اوصیای خود را معین کند. پس همان طور که پیامبران گذشته اوصیای خود را معین کردند، پیغمبر اسلام نیز اولیای خود را مشخص کرد بین شیعه و اهل سنت، مشهور و معروف است که خلیفه نایب معاصر امام حسن عسکری، علیه‌السلام، برایشان ناظران و پاسدارانی گماشته بود و تا زمان وفات، آن حضرت را به دقت تحت نظر داشتند وقتی آن حضرت وفات کردند، تمام خدمتکاران و خاندان او را بازداشت نمود و زیر نظر داشتند و کنیزان آن حضرت را زندانی کردند و به دنبال فرزند نوزاد او بازرسی دقیقی انجام دادند. از این رو سنت غیبت درباره آن حضرت، همانند سنت غیبت در حجت‌های گذشته جاری شد. [۲۹] محقق کتاب کمال الدین برای این قسمت از کتاب، عنوان «اثبات الغیبه والحکمه فیها» را قرار داده است. البته این عنوان برگرفته از اولین گفتار صدوق (ره) است که فرمود: حقیقت غیبت امام زمان (عج) روشن و دلیل آن پیروز است، باید آثار حکمت خدای عزوجل و تدبیر پابرجای او را درباره امامان گذشته سنجید که

چگونه گردن کشان و فرعون منشان، در قرن‌های گذشته بر آنان چیره شدند. امروز هم می‌بینیم که پیشوایان کفر اهل دروغ و دشمنی و افترا و پرونده سازی، بر همه چیز مسلط شده‌اند. [۳۰] بنابراین صدوق (ره) در اینجا اقرار می‌کند که حکمت غیبت حضرت حجت (عج)، همانند حکمت پنهان شدن رسولان، انبیا و اوصیای گذشته است آنان به جهت ترس بر جان‌شان از دست فرعونیان و طاغوتیان و کشته شدن شان قبل از اعمال رسالت خود، پنهان می‌شدند وی برای تصدیق این حکمت ثابت و فراگیر، تنها به روایتی از امام صادق، علیه‌السلام، استشهاد کرده است فرمود: «همانا برای خدا رسولانی آشکار و پنهان است» صدوق (ره) جزء دوم کتاب کمال‌الدین را با باب «در آنچه از امام صادق، علیه‌السلام، در نقل بر قائم (عج) و غیبت او نقل شده» شروع می‌کند و در خبر ۲۳ همان روایت سابق از امام صادق را در «ترس بر جان» نقل می‌کند و ذیل روایت می‌آورد: «جز آن که خداوند تبارک و تعالی دوست دارد که شیعیان را آزمایش کند» در خبر ۳۲ هم ضمن تکرار «ترس بر جان» اضافه می‌کند: «برای آنکه خداوند دوست دارد که خلق خود را آزمایش کند، پس در این هنگام است که باطلان به شک و تردید می‌افتند». [۳۱].

صدوق و حکمت آزمایش الهی

صدوق (ره)، در خبر ۳۵ روایتی از مفضل بن عمر به نقل از امام صادق، علیه‌السلام، در آزمایش الهی ذکر می‌کند [۳۲] و بعد از آن هم خبری از عبدالرحمن بن سیابه به نقل از امام صادق (ع) ذکر می‌کند که فرمود: «چگونه خواهید بود آن گاه که بی امام و رهبر و دانش بمانید و از یکدیگر بیزاری بجوید، آن زمان که آزمایش و از هم جدا شده و غربال گردید». [۳۳] در خبر ۵۱ هم روایت دیگری از مفضل به نقل از امام صادق، علیه‌السلام، ذکر می‌کند که فرمود: «ایام غیبت او طولانی شود، تا حق محض، آشکار شود و ایمان از نفاق جدا گردد؛ به واسطه آنکه هر کس از شیعیان که بدطنیت باشد، از تشیع برگردد؛ آنهایی که آن گاه که امنیت و امکانات و جای گزینی در عهد حضرت قائم را احساس کنند خوف نفاقشان رود». [۳۴] سپس وی بابتی به عنوان «علت غیبت» باز می‌کند و در آن یازده خبر می‌آورد در خبر ششم، سریر صیرفی کوفی از امام صادق، علیه‌السلام، نقل می‌کند: «فرمود: همانا برای قائم ما غیبتی است که زمانش طولانی است به او گفتم: ای فرزند رسول خدا! چرا؟ فرمود: برای آنکه خداوند تبارک و تعالی روش غیبت پیامبران در او جاری شود» صدوق این باب را با روایتی از عبد... بن فضل هاشمی به پایان می‌رساند که گفت: «شنیدم امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: صاحب الامر غیبتی دارد که از آن ناچار است؛ همه باطل جویان در آن به شک و تردید می‌افتند. به امام عرض کردم: فدایت شوم! حکمت غیبت چیست؟ امام فرمود: حکمت غیبت او، همان حکمت در غیبت حجت‌های خدا است که پیش از او بودند». [۳۵] وی در مقدمه کتاب خود و در بیان علت تألیف آن، خوابی را نقل می‌کند که هنگام بازگشت از زیارت امام رضا، علیه‌السلام، در نیشابور، دیده بود. صدوق (ره) در آن خواب امام زمان (عج) را مشاهده می‌کند که بر در کعبه ایستاده است، بر امام سلام عرض می‌کند و امام هم جواب سلام وی را می‌دهد و به او می‌فرماید: «در باب غیبت کتابی بنویس و در آن غیبت‌های انبیا را ذکر کن». [۳۶] وی نیز غیبت‌های انبیا را در هفت باب و حدود سی صفحه ذکر می‌کند مراد صدوق (ره) از تقریر این حکمت ثابت و عام، این نبود که حکمت غیبت را در آن منحصر کرده و سایر حکمت‌ها را تصدیق نکند؛ بلکه بدین معنا است که این حکمت را بر سایر حکمت‌ها مقدم دارد. شاید هم به جهت آن خواب و اشارات امام بوده است. البته این حکمت با حکمت «ترس بر جان بدون انجام دادن مأموریت» فرقی ندارد. برای این حکمت چهار خبر آورده است که طریق آنها را از امام صادق، علیه‌السلام، و امام باقر، علیه‌السلام، روایت کرده است: «امام باقر، علیه‌السلام، فرمود: همانا برای قائم قبل از آنکه قیام کند، غیبتی است. زراره می‌گوید: به امام عرض کردم: چرا؟ امام فرمود: می‌ترسد و به شکمش اشاره کرد». در حدیث دیگر آمده است «امام باقر فرمود: همانا برای قائم (عج) قبل از ظهورش غیبتی است، زراره می‌گوید: به امام عرض کردم: چرا؟ امام فرمود: می‌ترسد و با دستش به شکمش اشاره کرد و زراره گفت: یعنی، کشته شدن» همچنین نقل می‌کند: «امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: ای زراره!

برای قائم به ناچار غیبتی است، زراره می‌گوید: عرض کردم: چرا؟ امام فرمود: بر جان خود می‌ترسد و با دستش به شکمش اشاره کرد. در حدیث دیگری آورده است: «امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: برای قائم قبل از قیام کردن غیبتی است، زراره می‌گوید: عرض کردم: چرا؟ امام فرمود: بر جان خود می‌ترسد (کشته شود).»

صدوق و حکمت برای آنکه بر او بیعتی نباشد

صدوق (ره) قبل از اخبار این حکمت، ابتدا پنج خبر را می‌آورد که در واقع چهار خبر هستند؛ زیرا خبر اول و پنجم هر دو یکی است. ابی بصیر از امام صادق، علیه‌السلام، نقل کرده است: «صاحب این امر از میان مردم پنهان شد برای آنکه زمانی که خروج می‌کند، بیعت هیچ کس بر گردن او نباشد». حدیث دوم و سوم را جیل بن صالح و هشام بن سالم، از امام صادق، علیه‌السلام، نقل می‌کنند که امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: «قائم قیام می‌کند یا برانگیخته می‌شود؛ در حالی که بیعت هیچ کس در گردن او نیست یا برای هیچ کس در گردن او بیعتی نیست» حسن بن علی بن فضال نیز از امام رضا، علیه‌السلام، نقل می‌کند: «گویا شیعه را می‌بینم که در وقتی که سومین فرزند مرا از دست می‌دهند، مانند چهار پایان در طلب چراگاه هستند، ولی نمی‌یابند؛ برای آنکه امام‌شان از آنان پنهان است، عرض کردم: برای چه‌ای فرزند رسول خدا؟ امام فرمود: برای آنکه چون با شمشیر قیام کند، بیعت کسی در گردنش نباشد». [۳۷] عمده اخبار «علت غیبت» همین ده خبر هستند که در بردارنده دو حکمت برای غیبت هستند: ۱. ترس بر جان، ۲. بیعت هیچ کس بر گردن او نباشد البته حکمت دوم، ثانوی و تزیلی است؛ یعنی، بر فرض ظهور، در صورتی از قتل نجات می‌یابد که با ظالمان بیعت کند.»

حکمت تفصیلی معلوم نیست

اشاره

صدوق (ره) آخرین خبر در باب علت غیبت را از عبدا... بن فضل هاشمی نقل می‌کند و در آن اشاره دارد بر اینکه این دو حکمت ذکر شده هر دو اجمالی هستند، اما حکمت تفصیلی آن بعداً کشف می‌شود و در این دو روایت امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: «به درستی که وجه حکمت در این باره آشکار نشود، مگر پس از ظهورش؛ چنان که وجه حکمت کارهای خضر - از سوراخ کردن کشتی، کشتن نوجوان تا برپاداشتن دیوار شکسته، برای موسی روشن نشد مگر پس از آنکه از هم جدا شدند. و همچنین چون دانستیم که خداوند - تبارک و تعالی - حکیم است. تصدیق می‌کنیم که همه افعال او حکیمانه است هر چند وجه آن برای ما منکشف نباشد، ای پسر فضل! این امری از امور خدای تعالی و سزای از اسرار خدا و غیبتی از غیوب او است». [۳۸].

شیخ مفید و علت غیبت

مفید (ره) در الارشاد، بابی به عنوان «روایات و نصوصی که بر امامت امام دوازدهم آمده» اختصاص داده است. او در این باب، سیزده خبر می‌آورد و در پایان می‌نویسد: این اخبار تعداد کمی از روایاتی است که درباره دوازدهمین امام آمده است، روایات در این مورد بسیار زیاد است که اصحاب حدیث آنها را به شکل کتاب تدوین کرده‌اند. از جمله کسانی که احادیث را همراه با شرح و تفصیل تدوین نموده، محمد بن ابراهیم اباعبدان نعمانی در کتاب الغیبه است. [۳۹] البته مفید (ره) به کتاب «کمال الدین و تمام النعمه و در اثبات غیبت و حجت و کشف حیرت» اشاره‌ای ندارد و خودش هم در الارشاد باب یا فصلی را به علت یا حکمت اختصاص نداده است. در سال [۴۰] ۳۷۳، چهل سال قبل از وفات ایشان، قسمت‌هایی از مناظرات خود را جمع‌آوری نموده، به شکل کتاب در

آورده و منتشر کرد. البته جز کتاب «الفصول المختاره که سید مرتضی علم الهدی آن را گزینش نموده است - هیچ کدام از آنها به دست ما نرسید است دوفصل از آن اختصاص به مناظراتی درباره غیبت دارد. فصل اول در هشت صفحه و فصل دوم در سه صفحه است که بیشتر به حکمت «ترس برجان» می‌پردازد. [۴۱] ایشان بعد از آن رساله «الفصول العشره فی الغیبه» را نوشت و در مقدمه آن گفت: و بعد از آنچه در این ابواب نگاشتم و به گونه سؤال و جواب، معانی آن را شرح دادم و از قرآن و سنت و عقل شواهدی بر آن آوردم؛ رغبتی پیدا شد برای آنکه در فصل‌های مختص به امامت صاحب‌الزمان و پدران بزرگوارش و همچنین مواضع شبهه دار آنان، نکاتی را ذکر کنم فصل چهارم این رساله عبارت است از «انگیزه پنهان شدن ولادت امام علیه‌السّلام، چه بود و علت مخفی بودن امر و غیبت چه بوده است». [۴۲].

سید مرتضی و علت غیبت

سید مرتضی علم الهدی (م ۴۳۶) از کتاب (العیون و المحاسن)، فصل‌هایی را اختیار کرده و یک کتاب اعتقادی به نام الذخیره نوشته است. [۴۳] در این کتاب آمده است: چنانچه کسی بگوید: اگر این امکان هست که امام، علیه‌السّلام، به گونه‌ای غایب باشد که کسی با او در ارتباط نباشد و آن گاه که ایمن از ترس باشد آشکار شود، پس چه فرقی است بین آن و بین اینکه خداوند او را معدوم کند و آن گاه که امنیت برای امام حاصل شود، او را زنده کند و یا دگر باره او را به وجود آورد؟ شیخ طوسی (ره)، این مطلب را به تلخیص الشافی نقل کرده و در دو صفحه به آن پاسخ داده است. قبل از این سؤال و جواب، چندین پرسش و پاسخ در محور «علت ترس برجان» در پانزده صفحه، در کتاب وجود دارد. همین سؤالات و جواب‌ها و غیر آنها نیز به تعداد همین صفحات، در آخر جزء چهارم، حول همین محور تکرار شده است.

شیخ طوسی و علت غیبت

ابوجعفر محمد بن الحسن بن علی الخراسانی (شیخ طوسی) در سال ۴۳۲ و در سن ۴۷ سالگی کتاب الشافی فی الامامه را خلاصه کرده و در آن تعدادی سؤال و اشکال درباره غیبت از کتاب الذخیره (سید مرتضی) ذکر کرده و به آنها پاسخ گفته است. در سال ۴۴۷، شیخ بزرگوار از او می‌خواهد که کتابی درباره مباحث ذیل بنگارد: ۱- غیبت و علت غیبت صاحب‌الزمان؛ ۲- علت طولانی شدن غیبت حضرت با وجود شدت نیاز به او و پر شدن زمین از فساد و هرج و مرج و نیرنگ؛ ۳- چرا ظهور نمی‌کند؟ ۴- چه مانعی بر سر راه ظهور آن حضرت وجود دارد شیخ طوسی (ره) به آن شیخ بزرگوار، پاسخ مثبت داده، سخنانی بیان و جای شک و شبهه‌ای باقی نگذاشت. [۴۴] وی می‌نویسد: در کتاب خود، کلام را طولانی نمی‌کنم، چرا که خسته کننده است. در کتاب امامت من و نیز در کتاب‌های شیخ مفید و سید مرتضی، مفصلاً و با نهایت استقصا، در این زمینه‌ها مطلب بیان شده است. من سؤال‌های مختلف این باب را پاسخ می‌دهم و بر صحت آنچه می‌گویم، روایاتی ذکر می‌کنم تا تأکیدی بر گفته‌هایم باشد. [۴۵] شیخ طوسی (ره) کتاب خود را با عنوان «فصل فی الکلام فی الغیبه» آغاز می‌کند و در اواخر مناقشه خود با «واقفیه»، بعد از اثبات امامت حضرت مهدی (عج) می‌نویسد: وقتی امامت حضرت ثابت شد و دریافتیم آن حضرت از دیدگان پنهان است، خواهیم دانست که امام با وجود معصوم بودن و متعین بودن فرض امامت در او غایب نمی‌شود مگر به سبب علتی، و یا ضرورت ایجاب کند که او غایب باشد حال که آن علت یا ضرورت بر ما روشن نیست [۴۶]؛ می‌دانیم که امام پنهان نمی‌شود، مگر آنکه یک امر حکیمانه به او این اجازه را بدهد؛ هر چند مفصلاً آن امر را نشانسیم. [۴۷]. علت غیبت در کتاب الغیبه، همان است که در تلخیص الشافی فی الامامه آمده است؛ یعنی «ترس برجان». از جمله اینکه ظالمان ایشان را ترسانند و ایشان را از تصرفات منع نمودند [۴۸] و علت پنهان شدن حضرت از اولیا نیز چنین بود. [۴۹].

طوسی و علت ترس بر جان

عنوان فصل پنجم کتاب چنین است: «در بیان علت مانع از ظهور صاحب الامر» و در آغاز آن می‌نویسد: جز ترس از کشته شدن، هیچ علتی مانع از ظهور حضرت نیست و البته اخباری نیز با این بیان وارد شده است که گفته ما را تأیید می‌کند. شیخ طوسی حدود بیست خبر از اهل بیت، علیهم‌السلام، ذکر می‌کند اولین خبر در این فصل، حدیثی از زراره است که: «امام باقر، علیه‌السلام، یا امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: برای قائم، علیه‌السلام، قبل از ظهورش غیبتی است، زراره می‌گوید: به امام عرض کردم: چرا؟ امام فرمود: از قتل می‌ترسد». [۵۰] در خبر ششم زراره نقل می‌کند که: «امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: همانا برای قائم (عج) قبل از آنکه قیام کند غیبتی است، زراره می‌گوید: به امام عرض کردم: چرا؟ امام فرمود: می‌ترسد و بادستش به شکمش اشاره کرد». [۵۱].

طوسی و حکمت آزمایش الهی

در خبر آخر، زراره روایت می‌کند که امام صادق، علیه‌السلام، فرمود: «... جز اینکه خداوند دوست دارد شیعیان را آزمایش کند...» شیخ طوسی در این باره می‌نویسد: «هیچ علتی جز ترس از کشته شدن، مانع از ظهور حضرت نیست»، به همین دلیل وی بر این جمله از روایت اضافه می‌کند: «اما آنچه که در اخبار آمده است از جمله: آزمایش شیعیان در حال غیبت و سخت بودن امر بر آنان و آزمایش ایشان با صبر بر آن - از سختی‌های این زمان خبر می‌دهد؛ نه اینکه خداوند امام را غایب کرد، تا چنین شود؛ بلکه سبب غیبت، ترس است و آن اخباری که از جریانات زمان غیبت سخن به میان، می‌آورند، بر ثواب صبر بر این مشکلات و سختی‌های مؤمنین تأکید دارد تا در نتیجه به دین خود تمسک جویند در ادامه دوازده خبر ذکر می‌کند نخستین آنها، خبر محمد بن منصور الصیقل از امام صادق است که کلینی، نعمانی و صدوق (ره) هم آن را نقل کرده‌اند. سپس روایتی هست که نعمانی از ابن ابی نصر بزنطی از امام رضا، علیه‌السلام، نقل کرده است. بعد از آن روایتی آمده است که کلینی، نعمانی و صدوق (ره) از علی بن جعفر از برادرش امام موسی کاظم نقل کرده‌اند. بعد از آن روایتی هست که این سه بزرگوار از مفضل بن عمر الجعفی از امام صادق، علیه‌السلام، نقل کرده‌اند. پس از آن روایتی ذکر می‌کند که کلینی و نعمانی (ره) از علی بن یقظین به نقل از امام کاظم آورده‌اند، روایات دیگر، علت غیبت را یا مطلق امتحان و آزمایش می‌دانند و یا بدون اینکه علت آن را بیان کنند، اختصاص به غیبت دارند.

آخرین نامه به آخرین نایب بر اساس دیدگاه شهید صدر دوم

از جمله اسرار غیبت امتحان بندگان است. زیرا به واسطه غیبت مرتبه ایمان اشخاص و تسلیم بودن آنها در برابر تقدیر الهی ظاهر می‌شود و همچنین در زمان غیبت به واسطه حوادث و فتنه‌هایی که روی می‌دهد شدیدترین امتحانات از مردم به عمل می‌آید. عدم تحقق ظهور حضرت به اذن الهی است و شخص منتظر در هر مقداری که دوران غیبت به تأخیر افتد هرگز نومیدی به او راه پیدا نمی‌کند و شک و وسوسه در دلش رخنه نمی‌کند و این نکته هیچ منافاتی با حالت انتظار و پیش‌بینی ظهور حضرت در هر سال بلکه در هر ماه یا هر روز ندارد. نوشتاری که پیش رو دارید با توجه به آخرین نامه حضرت به آخرین نایب به مسئله فلسفه غیبت از منظر روایات می‌پردازد شهید بزرگوار سید محمد صدر در بخش نخست از کتاب‌اش - موسوعه الامام المهدی (عج) - چهار فصل، مشروحاً، با روشی نو و عمیق، به بررسی و تحلیل تاریخ زندگانی امام هادی و امام حسن عسگری، علیهما السلام، پرداخته است و سپس به کاوش در تاریخ زندگانی امام مهدی (ع) و سفیران آن حضرت در دوران غیبت کبرا نشسته و آن گاه خطوط کلی برنامه‌هایی را که امامان شیعه (ع) و اصحاب آنان، برای رهیافت به دوران غیبت کبرا و ذخیره الهی در روز موعود، ترسیم فرموده‌اند،

مورد بحث قرار داده است. مؤلف بزرگوار، کتاب‌اش را در پنج فصل تنظیم کرده است. آخرین فصل، هفت بخش دارد که در آن‌ها زندگانی امام مهدی (ع) و تلاش‌های آن حضرت بررسی شده است. در بخش هفتم، اختصاصاً به موضوع اعلام پایان غیبت کبرا پرداخته است. در این قسمت، مؤلف بزرگوار، ادله اساسی سه گانه‌ای را که منجر به پایان دوران سفارت و شروع دوران غیبت صغرا گشته، تفسیر کرده و فرموده است: «براساس همین ادله سه گانه و غیر آن بوده که امام مهدی (ع) در توقیعی که قبل از مرگ سفیر چهارم‌اش به وی نوشته، پایان دوران سفارت و تمام شدن عهد غیبت صغرا و آغاز دوران غیبت کبرا تا روز موعود را، یعنی روزی که فردای پرشکوه اسلام تحقق خواهد یافت، اعلام کرده است.» شهید سید محمد صدر، به متن توقیع امام مهدی به سفیر چهارم‌اش علی ابن محمد سمری پرداخته و بالهام از بیان حضرت، نکات هشت گانه‌ای را یادآوری فرموده است: ۱- در این توقیع، آن حضرت، از مرگ سفیر چهارم‌اش، بعد از شش روز خبر داده است. ۲- به سفیرش فرموده است: «حق ندارد بعد از خودش. به کسی وصیت کند.» ۳- حضرت فرموده‌اند: «غیبت تا مه، ظهوری به دنبال نخواهد داشت مگر بعد از یک مدّت طولانی و سخت شدن دل‌ها و پر شدن زمین از ستم.» شهید صدر، برای پوشیده بودن تاریخ ظهور، دو فایده بر می‌شمرد: نخست آن که حضرت مهدی (ع) برای زمان ظهور خود، از عنصر غافل‌گیری و ناگهانی بودن و غیر قابل پیش‌بینی بودن استفاده خواهد کرد. این، در حقیقت، هشدار است به دشمنان حضرت که بدانند در اوج سلطه و امتدادشان، ناگهان به عذاب الهی گرفتار خواهند شد. غافل‌گیری از نیرومندترین عناصر پیروزی و مقومات آن است. دیگر این که روشن نبودن ظهور آن حضرت، توده‌های مردم را در هر لحظه و زمان در حالتی از انتظار، قرار خواهد داد و مردم، در هر روزی، پیش‌بینی ظهور آن حضرت را خواهند کرد و چنین احساسی، اگر در یک فرد شکل بگیرد، او را بر انجام دادن رفتار شایسته و ارزیابی مسائل درونی و مطالعه واقعیت زندگی جاری‌اش و شناخت هر چه عمیق‌تر دستورها و مقررات دین بر می‌انگیزد و خواهد توانست با پرداختن به این موضوع، از مقربان درگاه آن حضرت شود و خود را به وی نزدیک سازد و خواهد کوشید تا در زمره کسانی نباشد که مورد خشم آن حضرت واقع شده‌اند و از دور شدگان ساحت به شمار می‌آیند. علاوه بر این شخصی که در هر روز، انتظار ظهور آن حضرت را می‌کشد، با خود می‌اندیشد که اگر خدای نکرده، اهل فساد و تباهی باشد و بخواهد همچنان غرق در گناه باقی بماند، چه بسا این حالت، به هلاکت او منتهی می‌گردد و از عدالت گسترده اسلامی که با رهبری امام مهدی (ع) بر جهان حکم فرما خواهد شد، دور بماند؛ چرا که می‌داند، امام مهدی (ع) در پیاده کردن عدالت اسلامی، بسیار قاطع خواهد بود و هر ستمگر و ظالمی را به سختی مجازات خواهد کرد. ۴- شهید صدر، از آخرین بخش سخن امام زمان به آخرین سفیرش در بغداد - یعنی جمله: «الّا باذن الله تعالی ذکره و ذالک بعد طول الامد الهام می‌گیرد که تصریح بر طولانی بودن دوران غیبت کبرا، بدین سبب است که هر فرد از توده مردم، این ذهنت از پیش در او شکل بگیرد که غیبت امام زمان (ع) طولانی مدّت خواهد بود و پیش‌بینی طولانی شدن دوران غیبت کبرا را امری ممکن بداند تا در نتیجه چنین تفکری، هرگز نومیدی در او راه پیدا نکند و در هر مقداری که دوران ظهور به تأخیر افتد، هرگز شک و وسوسه در دل‌اش رخنه نکند و بداند اگر غیبت حضرت، هزاران سال نیز به درازا بکشد مطلب عجیبی روی نداده و اگر تاکنون ظهور اتفاق نیفتاده، به سبب این بوده که اذن الهی تحقق نیافته است. اذن الهی، در شرایطی تحقق می‌پذیرد که مصلحت الهی اقتضا کند و بشریت آماده پذیرش فراخوانی بزرگ حضرت باشد. با چنین تفکری، اگر فردی تأخیری در ظهور آن حضرت ببیند، پی خواهد برد که هنوز مصلحت الهی تحقق پیدا نکرده و اذن الهی برای ظهور صادر نشده است. این نکته، هیچ منافاتی با حالت انتظار و پیش‌بینی ظهور حضرت در هر سال، بلکه در هر ماه یا هر روز ندارد. ۵- شهید محمد صدر، از این بیان امام که «ذالک بعد قسوه القلوب» استفاده کرده است که این فرد، در دوران غیبت کبرا با آزمون‌های دشوار الهی، رو به رو خواهد شد و بر او است که از این آزمون‌های الهی، موفق و پیروز بیرون آید. توفیق در این آزمون‌های الهی، مستلزم داشتن اراده و ایمان عمیق و اخلاص است. مهم‌ترین سبب موفقیت، این است که موضع اعتقادی فرد نسبت به وجود امام غایب و رهبر پنهان، محکم گردد، اگر فردی، با ادله قطعی به وجود

آن حضرت پی‌برد، شایسته نیست، آن هنگام که امواج شک و توهّمات باطل به او هجوم آورد متزلزل شود و سستی در اعتقادش راه پیدا کند. اگر افراد، به این اعتقاد پای فشارند، کسانی اند که دارای مرتبتی والا هستند و از آگاهان نسبت به دین به شمار می‌آیند. چنین اشخاصی هرگز به سخت دلی مبتلا نخواهند شد. جهت دیگر دشواری آزمون‌های الهی در دوران غیبت کبرا این است که موضع فرد در برابر فشارهای خارجی مشخص می‌گردد و میزان فداکاری‌هایی که در راه ریشه‌کنی فقر و بیماری و نابسامانی‌های اجتماعی و دیگر گرفتاری‌هایی که در مسیر طولانی ایمان‌اش با آنها مواجه است، آشکار می‌شود. شهید صدر، درباره این موضوع می‌گوید: اگر در فرد، این احساس مسئولیت شکل پذیرد، خواهد توانست سختی مبارزات و ناملایمات و فداکاری‌ها را در راه ایمان‌اش متحمل شود، ولی اگر از چنین قدرت اراده‌ای محروم باشد و یا اساساً مسئولیتی بر دوش خود احساس نکند، حاضر می‌شود وجود گران‌بهای خودش را به ازای اندکی از دنیا، بفروشد و به انحرافات فراوانی در روند طولانی زندگی‌اش دچار خواهد شد. ۶- شهید صدر، از این جمله حضرت که می‌فرماید: «بعد طول الامد و قسوه القلوب و امتلاء الارض جوراً» الهام می‌گیرد که پرسیدن زمین از ظلم و جور، پیامد شکست اکثریت انسان‌ها در آزمون‌های الهی در دوران غیبت کبرا و تسلط مادی‌گرایی و شهوت‌رانی و افت شدید انگیزه‌های دینی و اخلاقی در میان جوامع اسلامی است. طبیعی است، جامعه‌ای که از رهبر عظیم‌الشانی مانند امام مهدی (ع) محروم باشد و آن امام به دلیل غیبت‌اش، نتواند به طور ملموس با مسائل جامعه مواجه شود و با حضورش یک پارچگی دین را سبب گردد و وحدت کلمه و از میان رفتن شکاف‌ها و تشّت‌ها و نابودی دشمنان را به ارمغان آورد، به زیر سلطه نیروهای مستکبر و شهوت‌گستر خواهد رفت. ثمره این سلطه، گسترش ناعدالتی و فساد و... است. شهید صدر می‌فرماید: اگر غیر مسلمانان و یا تسلیم‌نشدگان، اساس توحید و بنیان‌های دینی را انکار کنند و علیه مؤمنان نقشه‌های خرابکارانه بکشند، جای شگفتی نیست؛ چرا که همان‌گونه که تاریخ گواه است، مؤمنان، همواره، در تمامی تاریخ، شاهد سخت‌ترین شکنجه‌ها و آزارها از سوی چنین کسانی بوده و هستند. [۵۲]. ایشان، در مقدمه جلد نخست به گوشه‌هایی از تاریخ اهل بیت (ع) می‌پردازد که بیان‌کننده تفکرات و روایات شهید در طول زندگی تا هنگام شهادت‌اش است. او، در این مقدمه می‌گوید: امامان ما، همواره، بر نقش مبارزات خستگی‌ناپذیر خود علیه دستگاه‌های حاکم که مروج انحراف از دین در سطوح مختلف بوده‌اند، پای می‌فشرند. برخی از حکام، اگر چه با اسم اسلام بر مسند قدرت تکیه زده بودند و مشروعیت خود را تحت عناوینی چون «خلیفه پیامبر» و... توجیه می‌کردند، ولی همه این‌ها، بر اساس سطح برداشت و میزان عدالت و معنویت بود که از آن برخوردار بودند و به اندازه فهم و افق فکری‌شان به اسلام پایبند بوده‌اند. علاوه بر این که بسیاری از مناصب کلیدی حکومت را به دست کسانی می‌سپردند که از جهت آگاهی و دین، هیچ‌گونه برتری‌ای بر شخص خلیفه نداشتند. از این زاویه، حسادتی بر خلیفه نمی‌ورزیدند. موضع امامان ما هم از جنبه فکری و هم از جنبه عملی، در جهت مخالف با این دستگاه‌های حاکم بود. این موضع‌گیری که بر پایه دوراندیشی و قاطعیت استوار بود، از حکم الهی و عنایت و توفیق او سرچشمه می‌گرفت و در جهت امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح امت جدّشان رسول‌گرامی قرار داشت. در حقیقت، آنان با وضعیتی مبارزه می‌کردند که مولود ستم و انحرافات و جنگ‌های باطل و مصلحت‌پرستی‌های شخصی بود. این‌ها، همه، شکست اقتصادی و عقب‌ماندگی اجتماعی اسف‌باری را در بیش‌تر دوره‌های تاریخی به بار آورد. ائمه (ع) به عنوان نمایندگان حقیقی پیامبر اسلام، بر اساس معتقدات‌شان، احساس وظیفه و تکلیف می‌کردند که مفسد را ریشه‌کن سازند. آنان، در حدّ توانایی خود و فرصت‌هایی که در طول عمرشان دست می‌داد، می‌کوشیدند انحرافات را از متن جامعه اسلامی بزدایند. موضع ائمه (ع) در برابر مشکلات داخلی دولت اسلامی، یعنی همان مشکلاتی که سردمداران حکومت و یا گروه‌های مخالف داخلی ایجاد می‌کردند، موضع شخصی مراقب و اصلاح‌گری دل‌سوز بود. و طبیعی است که داشتن چنین موضعی، چندان از نظر حکام و دست‌اندرکاران حکومت، خوش‌نمی‌آمد و همواره، آنان، از این‌گونه مواضع، بیم داشتند و با نگرانی عمیق، سیاست‌های احتیاطی شدیدی را علیه آنان اتخاذ می‌کردند. آری، این‌گونه موضع‌گیری از سوی امامان شیعه، خشم و نگرانی

دستگاه حاکم را هم در گفتار و هم در کردارشان بر می‌انگیخت و طبیعی بود که امامان ما، با توجه به این گونه فشارهای روز افزون، تا جایی که در توان داشتند، تلاش می‌کردند و از فرصت‌هایی که به دست می‌آمد، بهترین بهره‌برداری‌ها را می‌کردند. [۵۳]

پاورقی

- [۱] رجال نجاشی، ۳۷۷ شماره ۱۰۲۷.
- [۲] کلینی، کافی ج ۱، ۳۳۶.
- [۳] همان، ص ۳۳۶، ح ۲ باب دوم از غیبت.
- [۴] همان، ص ۳۳۶، ج ۵.
- [۵] همان، ص ۳۷۰، ج ۶ و ۳.
- [۶] همان، ص ۳۳۷، ج ۵.
- [۷] همان، ص ۳۴۲، ج ۲۷.
- [۸] عین الغزال، ص ۱۲، مرآة العقول، ج ۱، ص ۳۹۶.
- [۹] نعمانی، الغیبه، ص ۹.]
- [۱۰] همان، ص ۱۱ - ۱۳.
- [۱۱] همان، جز، ص ۴.
- [۱۲] همان، ص ۴.
- [۱۳] همان، ص ۱۱۵.
- [۱۴] همان، ص ۱۲۲.
- [۱۵] همان، ص ۱۲۸.
- [۱۶] همان، ص ۹۲.
- [۱۷] همان، ص ۱۱۰.
- [۱۸] همان، ص ۱۴۰.
- [۱۹] همان، ص ۱۱۳ و ۱۱۴، ح ۴۷ و ۴۸.
- [۲۰] همان، ص ۱۱۷ و ۱۱۸، ص ۱۱۰، ج ۲۵.
- [۲۱] همان، ص ۱۱۶، ح ۵۵، ۵۶ و ۵۷.
- [۲۲] همان، ص ۱۲۵، ح ۸۶ و ۹۰.
- [۲۳] کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۶ نعمانی الغیبه، ص ۱۹۸، ح ۱۴.
- [۲۴] طوسی، الغیبه، ص ۳۰۸.
- [۲۵] عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۲۷۹.
- [۲۶] کمال الدین، ص ۳ و ۲.
- [۲۷] همان، ص ۲.
- [۲۸] نساء، آیه ۱۶۴.

- [۲۹] کمال الدین و تمام النعمه، ۲۰-۲۲.
- [۳۰] همان، ص ۲۰.
- [۳۱] همان، ج ۲، ص ۳۴۲، ح ۲۳، ۳۴۶ و ۳۲.
- [۳۲] همان، ص ۳۴۷، ح ۳۵.
- [۳۳] همان، ص ۳۴۸، ح ۳۷.
- [۳۴] همان، ص ۳۵۶، ح ۵۱.
- [۳۵] همان، ص ۴۸۲، ح ۱۱.
- [۳۶] همان، ص ۳.
- [۳۷] همان، ص ۴۷۹، ح ۱-۵.
- [۳۸] همان، ص ۴۸۲، ح ۱۱.
- [۳۹] الارشاد، ج ۲، ص ۳۵۰.
- [۴۰] الفصول المختاره، ص ۳۲۱.
- [۴۱] الفصول المختار، ص ۱۱-۱۱۸ و ص ۳۲۷-۳۳۱.
- [۴۲] الفصول العثره فی الغیبه، ص ۳ و ۴.
- [۴۳] ایشان بعد از آن اشکالات و نقض‌هایی که قاضی عبدالجبار معتزلی بر امامت عمومی و امامت حضرت حجت (عج) وارد کرده است، پاسخ می‌دهد.
- [۴۴] تلخیص الشافی ج ۱، ص ۱۰۴-۱۰۷، عن الذخیره، ۴۱۹ و ۴۲۰.
- [۴۵] طوسی، الغیبه، ص ۲ و ۳.
- [۴۶] همان، ص ۱ و ۲.
- [۴۷] همان، ص ۸۵.
- [۴۸] همان، ص ۹۰.
- [۴۹] همان، ص ۸۵.
- [۵۰] همان، ص ۳۳۲، ح ۲۷۴.
- [۵۱] همان، ص ۳۳۳، ح ۲۷۹.
- [۵۲] الغیبه الصغری، ص ۶۳۴-۶۳۹.
- [۵۳] موسوعه الامام المهدي (عج) (الکتاب الاوّل: تاریخ الغیبه الصغری)، ص ۲۰-۲۲.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۴۵۲۴۳۵)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۴۵۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: -۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰ IR شماره حساب ۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بندگان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

